



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.  
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

## بیاسه

بیاسه، شهری از ایالت جَبّان (خائن) در جنوب اندلس و در ۴۸ کیلومتری شمال شرقی شهر خائن، مرکز این ایالت می‌باشد.

### فهرست مندرجات

- ۱ - بیوگرافی
  - ۱.۱ - دوره ایبری‌ها
  - ۱.۲ - دوران اسلامی
  - ۱.۳ - محصولات کشاورزی
  - ۱.۴ - جمعیت
  - ۱.۵ - تاریخچه
  - ۱.۶ - سال ۴۲۲ قمری
  - ۱.۷ - سال ۴۸۴ قمری
  - ۱.۸ - سال ۵۴۲ قمری
  - ۱.۹ - سال ۵۵۲ قمری الی ۵۶۴ قمری
  - ۱.۱۰ - سال ۶۰۶ قمری الی ۶۲۱ قمری
  - ۱.۱۱ - سال ۶۲۱ قمری
  - ۱.۱۲ - تحولات سده‌های ۷ و ۸ قمری
- ۲ - علما و دانشمندان
- ۳ - فهرست منابع
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

## بیوگرافی

بیاسه، شهری از ایالت جَبّان (خائن) در جنوب اندلس و در ۴۸ کیلومتری شمال شرقی شهر خائن، مرکز این ایالت می‌باشد.

### ← دوره ایبری‌ها

این شهر در دوره ایبری‌ها ساخته شده، و به گفته **بطلمیوس**، بیاتر نام داشته است.<sup>[۱]</sup> در تقسیمات اداری منسوب به **قسطنطین**، بیاسه از شهرهای استان ششم اندلس به مرکزیت **اشبیلیه** بود.<sup>[۲]</sup>

### ← دوران اسلامی

در دوران اسلامی، بیاسه با شهرهای مجاور **حیان** و **آبده** (ه م) تشکیل قلمرو واحدی می‌داد.<sup>[۳]</sup> بیاسه کهن بر روی تپه‌ای بنا شده، و بر **وادی الکبیر** یا **نهر قرطبه** که از جنوب آن می‌گذشت، مشرف، و برگرد آن بارویی کشیده شده بود و بازارهایی چند در آن وجود داشت. پیرامون آن را کشتزارهای سبز احاطه کرده بود.

### ← محصولات کشاورزی

از محصولات کشاورزی آن **زعفران** بود که به نقاط مختلف صادر می‌شد.<sup>[۴]</sup> <sup>[۵]</sup> <sup>[۶]</sup> نیز درختان **انجیر** و **انگور** بسیار داشت<sup>[۷]</sup> و در تپه‌های شمالی جلگه میان بیاسه و ابدیه جنگل‌های **زیتون** بود<sup>[۸]</sup> که امروزه نیمی از آن ناحیه را می‌پوشاند.<sup>[۹]</sup> منطقه جنگلی اطراف بیاسه همچنین به تولید چوب (که در صنعت کشتی‌سازی استفاده می‌شد) معروف بود.<sup>[۱۰]</sup> <sup>[۱۱]</sup>

### ← جمعیت

بیاسه امروزه شهری متوسط با خیابان‌های طولانی است و چهره‌ای جدید دارد و هیچ‌گونه آثاری از دوران اسلامی در آنجا باقی نمانده است.<sup>[۱۲]</sup> جمعیت شهر در ۱۳۸۲ش/۲۰۰۴م حدود ۱۴ هزار تن برآورد شده است (فرهنگ).

## ← تاریخچه

در زمان **خلافت امویان**، **ابن حفصون** (ه م) بر نواحی وسیعی از جنوب اندلس از جمله بیاسه مستولی شد.<sup>[۱۲]</sup> بعدها **عبدالرحمان سوم** (حکومت ۳۰۰-۳۵۰ ق/۹۱۲-۹۶۱ م) سلطه خود را بر این متصرفات گسترده.<sup>[۱۴]</sup> پس از فروپاشی خلافت که **قاسم بن حمود** (۴۰۷-۴۱۲ ق/۱۰۱۶-۱۰۲۱ م) حکومت قرطبه را به دست گرفت، بیاسه، جیان و قلعه رباح را به زهیرالقتی، غلام **منصور بن ابی‌عامر** به اقطاع داد.<sup>[۱۵] [۱۶]</sup>

## ← سال ۴۲۲ قمری

هنگامی که ابوالحزم جمهور بن محمد در ۴۲۲ ق/۱۰۳۱ م بر قرطبه و مناطق میانی اندلس از جمله بیاسه مستولی شد،<sup>[۱۷]</sup> ظاهراً زهیر را در مقام خود ایفا کرد و وی تا اواخر سال ۴۲۹ ق که در **جنگ** با بادیس بن حبّوس، حاکم غرناطه کشته شد، در بیاسه حکومت کرد.<sup>[۱۸]</sup> از آن پس، بیاسه میان حاکمان **المریه**، **دانیه**، غرناطه و اشبیلیه دست به دست گشت.<sup>[۱۹] [۲۰] [۲۱] [۲۲]</sup>

## ← سال ۴۸۴ قمری

در ۳ صفر ۴۸۴ ق/۲۷ مارس ۱۰۹۱ م، **مرباطون** بیاسه را فتح کردند.<sup>[۲۳]</sup> از آن پس **مسیحیان قشتاله** بارها بر بیاسه تاختند و با سپاه مرابطی وارد نبرد شدند.<sup>[۲۴] [۲۵]</sup>

## ← سال ۵۴۲ قمری

سرانجام، در **جمادی‌الاول** ۵۴۲/اکتبر ۱۱۴۷ **امیریحیی بن غانیه**، آخرین بازمانده مرابطون در اندلس، دو شهر مهم بیاسه و ابده را در برابر فشار آلفونسوی هفتم پادشاه قشتاله، تسلیم مسیحیان کرد.<sup>[۲۶] [۲۷] [۲۸]</sup>

## ← سال ۵۵۲ قمری الی ۵۶۴ قمری

اما موحدون در ۵۵۲ ق/۱۱۵۷ م این شهرها را بازپس گرفتند.<sup>[۲۹] [۳۰] [۳۱]</sup> چندی بعد در ۵۵۴ ق **ابن مردنیش** سلطه خود را برپاره‌ای از قلمرو موحدون، از جمله بیاسه گسترده و آنجا را به پدربن خود، ابن همشک سپرد.<sup>[۳۲] [۳۳]</sup> اما ابن همشک در پی اختلاف با ابن مردنیش در ۱۱۶۹ ق/۵۶۴ م به فرمان موحدون درآمد.<sup>[۳۴]</sup>

## ← سال ۶۰۶ قمری الی ۶۲۱ قمری

در حدود سال ۶۰۶ ق/۱۲۰۹ م حملات آلفونسوی هشتم به اراضی مسلمانان در منطقه جیان و بیاسه آغاز شد.<sup>[۳۵]</sup> و در صفر ۶۰۹/ژوئیه ۱۲۱۲ **سپاه الناصر موحدی** در نبرد عقاب نزدیک بیاسه شکستی سخت یافت.<sup>[۳۶]</sup> در پی این هزیمت، ساکنان بیاسه به ابده گریختند و مسیحیان فاتح وارد بیاسه شدند و آنجا را به آتش کشیدند. پس از عقب‌نشینی مسیحیان، شهر بازسازی شد. در زمستان سال بعد آلفونسوی هشتم آنجا را در محاصره گرفت، اما بدون نتیجه عقب نشست.<sup>[۳۷]</sup>

## ← سال ۶۲۱ قمری

هنگامی که در ۶۲۱ ق/۱۲۲۴ م **عبدالله بن منصور**، ملقب به العادل خود را خلیفه موحدی خواند، عبدالله بن محمد، نواده عبدالؤمن و امیرجیان، ادعای استقلال کرد و از **بیعت** با العادل خودداری نمود. وی بیاسه را مرکز قیام خود قرار داد و از این‌رو، به بیاسی معروف شد. پس از آن شهرهای جیان و قرطبه و **قیحاطه** و دژهای ثغر اوسط را با خود همراه کرد. العادل در اواخر سال ۶۲۱ ق برادرش ابوالعلا **ادریس بن منصور** را برای نبرد با عبدالله بیاسی و تصرف بیاسه فرستاد، اما به سبب سرما شدید کاری از پیش نبرد و با گرفتن گروگان **صلح** کرد و به اشبیلیه بازگشت. العادل لشکری دیگر به فرماندهی **عثمان بن ابی‌حفص** به بیاسه گسیل داشت. بیاسی که از پیش روابط دوستانه‌ای با فردیناند سوم، پادشاه قشتاله برقرار کرده بود، با وعده واگذاری بیاسه و قیحاطه، از وی یاری خواست و لشکر العادل را به سهولت شکست داد. بیاسی در پی آن بیاسه را ترک کرد و در قرطبه مستقر شد. پس از آن در **ذیحجه** ۶۲۲/دسامبر ۱۲۲۶ بیاسه به تصرف قشتالیان درآمد.<sup>[۳۸] [۳۹] [۴۰] [۴۱] [۴۲]</sup>

## ← تحولات سده‌های ۷ و ۸ قمری

در سده‌های ۷ و ۸ ق/۱۲ و ۱۳ م بیاسه به عنوان پایگاهی نظامی در مرز بین قشتاله و غرناطه نقشی مهم در مبارزات بنی‌مرین و بنی‌نصر برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اسلامی اندلس ایفا کرد. در ۶۷۴ و ۶۸۲ ق/۱۲۷۵ و ۱۲۸۲ م ابویوسف یعقوب، سلطان مرینی (۶۵۶-۶۸۵ ق/۱۲۵۸-۱۲۸۶ م) به اندلس لشکر کشید و در نواحی تحت سلطه مسیحیان از جمله بیاسه پیشروی کرد و پس از گرفتن غنائمی بازگشت.<sup>[۴۳] [۴۴] [۴۵]</sup> در ۷۳۴ ق **اسماعیل بن فرج**، سلطان نصری (۷۱۲-۷۲۵ ق/۱۲۱۲-۱۲۲۵ م) به بیاسه حمله کرد و آنجا را در محاصره گرفت تا شهر تسلیم شد،<sup>[۴۶]</sup> اما مسلمانان نتوانستند آنجا را نگه دارند؛ بار دیگر در ۸۱۰ ق/۱۴۰۷ م آنجا را محاصره کردند که نتیجه‌ای نداد.<sup>[۴۷]</sup>

## علماء و دانشمندان

از بیاسه دانشمندانی برخاسته‌اند که از آن جمله‌اند:

ابوالعباس احمد ابن یوسف بن نام یعمری بیاسی، ادیب و شاعر <sup>[۴۸] [۴۹]</sup>

**ابن حسنون** محمد بن علی حمیری کتافی بیاسی (د ۶۰۴ ق/۱۲۰۷ م)، **مُقری** و **محدث** <sup>[۵۰]</sup>




و ابوالحجاج یوسف بن محمد بیاسی، مورخ و شاعر (د ۶۵۲ ق/۱۲۵۵ م) ابوالحجاج ذیلی بر **تاریخ ابن حیان** نوشت و حوادث را تا زمان خود ادامه داد (ه د، بیاسی) <sup>[۵۱]</sup>

## فهرست منابع

- (١) ابن ابار محمد، الحلة السيرة، به كوشش حسين مونس، قاهرة، ١٩٨٥م.
- (٢) ابن ابي زرع على، الانيس المطرب، رباط، ١٩٧٢م.
- (٣) ابن اثير، الكامل.
- (٤) ابن حيان حيان، المقتبس، به كوشش عبدالرحمان على حجي، بيروت، ١٩٨٣م.
- (٥) ابن خطيب محمد، الاحاطة، به كوشش محمد عبداللّه عنان، قاهرة، ١٣٩٤-١٣٩٧/ق ١٩٧٤-١٩٧٧م.
- (٦) ابن خطيب محمد، اعمال الاعلام، به كوشش لوي پروانسال، بيروت، ١٩٥٦م.
- (٧) ابن خلدون، العبر.
- (٨) ابن سعيد على، المغرب فى حلى المغرب، به كوشش شوقى ضيف، قاهرة، ١٩٥٥م.
- (٩) ابن عبدالمنعم محمد، الروض المعطار، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٩٨٠م.
- (١٠) ابن عذارى احمد، البيان المغرب، ج٣، به كوشش كولن و لوي پروانسال، بيروت، ١٩٨٣م، ج٤، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٩٨٣م.
- (١١) ابوعبيد بكرى عبداللّه، المسالك و الممالك، به كوشش وان لون و ا فره، تونس، ١٩٩٢م.
- (١٢) ادريسى محمد، نزهة المشتاق، بيروت، ١٤٠٩/ق ١٩٨٩م.
- (١٣) انصاري محمد، الذيل و التكملة لكتابى الموصل و الصلة، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٩٧٢م.
- (١٤) عبدالله زيرى، مذكرات، به كوشش لوي پروانسال، قاهرة، ١٩٥٥م.
- (١٥) عنان محمد عبداللّه، الآثار الاندلسية الباقية فى اسبانيا و البرتغال، قاهرة، ١٣٨١/ق ١٩٦١م.
- (١٦) عنان محمد عبداللّه، دولة السلام فى الاندلس، قاهرة، ١٤٠٨/ق ١٩٨٨م.
- (١٧) عنان محمد عبداللّه، دول الطوائف، قاهرة، ١٣٨٠/ق ١٩٦٠م.
- (١٨) عنان محمد عبداللّه، عصر المرابطين و الموحدين فى المغرب و الاندلس، قاهرة، ١٣٨٤/ق ١٩٦٤م.
- (١٩) عنان محمد عبداللّه، نهاية الاندلس، قاهرة، ١٤٠٨ق.
- (٢٠) مقدسى محمد، احسن التقاسيم، به كوشش دخويه، ليدن، ١٩٠٦م.
- (٢١) مقرى احمد، نفع الطيب، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٣٨٨/ق ١٩٦٨م.
- (٢٢) مكناسى محمد، الاكسبيرفى فكاك الاسير، به كوشش محمد فاسى، رباط، ١٩٦٥م.
- (٢٣) مونس حسين، تعليقات بر الحلة السيرة.
- (٢٤) ياقوت، بلدان.
- (٢٥) EI ٢.
- (٢٦) The World Gazetteer, www.world-gazetteer.com/fr/f\_eshtm

## پانویس

١. ↑ EI ٢.
٢. ↑ ابوعبيد بكرى عبداللّه، المسالك و الممالك، ج٢، ص٨٩٢، به كوشش وان لون و ا فره، تونس، ١٩٩٢م.
٣. ↑ ابن حيان حيان، المقتبس، ج١، ص٢٠١، به كوشش عبدالرحمان على حجي، بيروت، ١٩٨٣م.
٤. ↑ ادريسى محمد، نزهة المشتاق، ج٢، ص٥٦٨-٥٦٩، بيروت، ١٣٠٩/ق ١٩٨٩م.
٥. ↑ ابن سعيد على، المغرب فى حلى المغرب، ج٢، ص٧١، به كوشش شوقى ضيف، قاهرة، ١٩٥٥م.
٦. ↑ مقرى احمد، نفع الطيب، ج٢، ص٢١٧، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٣٨٨/ق ١٩٦٨م.
٧. ↑ مقدسى محمد، احسن التقاسيم، ج١، ص٢٢٥، به كوشش دخويه، ليدن، ١٩٠٦م.
٨. ↑ عنان محمد عبداللّه، الآثار الاندلسية الباقية فى اسبانيا و البرتغال، ج١، ص٢٢٩-٢٣٠، قاهرة، ١٣٨١/ق ١٩٦١م.
٩. ↑ EI ٢.
١٠. ↑ مكناسى محمد، الاكسبيرفى فكاك الاسير، ج١، ص٦٨، به كوشش محمد فاسى، رباط، ١٩٦٥م.
١١. ↑ مونس حسين، تعليقات بر الحلة السيرة، ج١، ص٢٥٢.
١٢. ↑ عنان محمد عبداللّه، الآثار الاندلسية الباقية فى اسبانيا و البرتغال، ج١، ص٢٢٩، قاهرة، ١٣٨١/ق ١٩٦١م.
١٣. ↑ ابن خطيب محمد، الاحاطة، ج٤، ص٢٦.
١٤. ↑ عنان محمد عبداللّه، دولة السلام فى الاندلس، ج٢، ص٢٧٦، قاهرة، ١٤٠٨/ق ١٩٨٨م.
١٥. ↑ ابن اثير، الكامل، ج٩، ص٢٧٢.
١٦. ↑ ابن عذارى احمد، البيان المغرب، ج٣، ص١٦٨-١٦٩، ج٣، به كوشش كولن و لوي پروانسال، بيروت، ١٩٨٣م، ج٤، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٩٨٣م.
١٧. ↑ عنان محمد عبداللّه، دول الطوائف، ج١، ص٢١، قاهرة، ١٣٨٠/ق ١٩٦٠م.
١٨. ↑ ابن اثير، الكامل، ج٩، ص٢٨٦.
١٩. ↑ عبدالله زيرى، مذكرات، به كوشش لوي پروانسال، قاهرة، ١٩٥٥م.
٢٠. ↑ ابن اثير، الكامل، ج٩، ص٢٩١.
٢١. ↑ ابن ابي زرع على، الانيس المطرب، ج١، ص١٥٤، رباط، ١٩٧٢م.
٢٢. ↑ عنان محمد عبداللّه، دول الطوائف، ج١، ص١٢٦-١٢٧، قاهرة، ١٣٨٠/ق ١٩٦٠م.
٢٣. ↑ ابن ابي زرع على، الانيس المطرب، ج١، ص١٥٤، رباط، ١٩٧٢م.
٢٤. ↑ ابن عذارى احمد، البيان المغرب، ج٤، ص٦١، ج٢، به كوشش كولن و لوي پروانسال، بيروت، ١٩٨٣م، ج٤، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٩٨٣م.
٢٥. ↑ عنان محمد عبداللّه، عصر المرابطين و الموحدين فى المغرب و الاندلس، ج١، ص١٢٢-١٢٣، قاهرة، ١٣٨٤/ق ١٩٦٤م.
٢٦. ↑ ابن اثير، الكامل، ج١١، ص١٢١-١٢٢.
٢٧. ↑ ابن خلدون، العبر، ج٦، ص٤٨٨.
٢٨. ↑ عنان محمد عبداللّه، عصر المرابطين و الموحدين فى المغرب و الاندلس، ج١، ص٢٢٢، قاهرة، ١٣٨٤/ق ١٩٦٤م.
٢٩. ↑ ياقوت، بلدان، ج١، ص٥١٨.
٣٠. ↑ ابن ابي زرع على، الانيس المطرب، ج١، ص١٩٢-١٩٤، رباط، ١٩٧٢م.
٣١. ↑ ابن ابي زرع على، الانيس المطرب، رباط، ١٩٧٢م.
٣٢. ↑ ابن خطيب محمد، الاحاطة، ج٣، ص٧٢.
٣٣. ↑ ابن خطيب محمد، اعمال الاعلام، ج١، ص٢٦١، به كوشش لوي پروانسال، بيروت، ١٩٥٦م.
٣٤. ↑ عنان محمد عبداللّه، عصر المرابطين و الموحدين فى المغرب و الاندلس، ج٢، ص٢٩-٤٠، قاهرة، ١٣٨٤/ق ١٩٦٤م.
٣٥. ↑ عنان محمد عبداللّه، عصر المرابطين و الموحدين فى المغرب و الاندلس، ج٢، ص٢٨٨، قاهرة، ١٣٨٤/ق ١٩٦٤م.
٣٦. ↑ عنان محمد عبداللّه، عصر المرابطين و الموحدين فى المغرب و الاندلس، ج١، ص٣١٠-٣١٤، قاهرة، ١٣٨٤/ق ١٩٦٤م.
٣٧. ↑ EI ٢.
٣٨. ↑ ابن عبدالمنعم محمد، الروض المعطار، ج١، ص١٢١، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٩٨٠م.
٣٩. ↑ ابن ابي زرع على، الانيس المطرب، ص٢٤٦، رباط، ١٩٧٢م.
٤٠. ↑ ابن ابي زرع على، الانيس المطرب، ص٢٧٢، در سال ٦٢٢ قمرى، رباط، ١٩٧٢م.
٤١. ↑ عنان محمد عبداللّه، عصر المرابطين و الموحدين فى المغرب و الاندلس، ج١، ص٢٥٢-٢٥٣، قاهرة، ١٣٨٤/ق ١٩٦٤م.
٤٢. ↑ عنان محمد عبداللّه، عصر المرابطين و الموحدين فى المغرب و الاندلس، ج١، ص٢٦٢-٢٦٣، قاهرة، ١٣٨٤/ق ١٩٦٤م.
٤٣. ↑ ابن ابي زرع على، الانيس المطرب، ج١، ص٢١٥، رباط، ١٩٧٢م.
٤٤. ↑ ابن ابي زرع على، الانيس المطرب، ج١، ص٢٣٩، رباط، ١٩٧٢م.
٤٥. ↑ ابن خلدون، العبر، ج٧، ص٤٢٦.
٤٦. ↑ عنان محمد عبداللّه، نهاية الاندلس، ج١، ص١٢٠، قاهرة، ١٤٠٨ق.

٤٧. ↑ عنان محمدعبدالله، الأثارالاندلسية الباقية فى اسبانيا و البرتغال، ج١، ص٢٢٩، قاهره، ١٣٨١ق/١٩٦١م.
٤٨. ↑ ياقوت، بلدان، ج١، ص٥١٨. 
٤٩. ↑ ابن ابار محمد، الحلةالسيراء، ج٢، ص٢٥٣، به كوشش حسين مونس، قاهره، ١٩٨٥م. 
٥٠. ↑ انصارى محمد، الذيل و التكملة لكتابى الموصل و الصلة، ج٦، ص٤٥٢-٤٥٣، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٩٧٣م.
٥١. ↑ ابن سعيد على، المغرب فى حلى المغرب، ج٢، ص٧٣، به كوشش شوقى ضيف، قاهره، ١٩٥٥م. 

## منبع

دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج١٣، ص٥٣٠٣، برگرفته از مقاله «بیاسی». 